



بعد از عکاسی

مهساقبایی

برخلاف تصور بعضی‌ها، وقتی شاتر دوربین را فشار می‌دهید و رها می‌کنید، کار عکاسی آغاز می‌شود. عکاسان همواره به دنبال راه‌هایی برای بهبود بخشیدن به کیفیت تصویر حاصل از عکاسی در هنگام چاپ یا قبل از آن بوده‌اند. امروزه امکانات نرم‌افزاری که عکاسی دیجیتال فراهم آورده، امکان این کار را صدچندان کرده است؛ چه در هنگام عکاسی چه بعد از آن. به‌ویژه با نرم‌افزارهای جدیدی که هر لحظه بر امکانات آن‌ها افزوده می‌شود.

چرخاندن عکس

گاهی پس از اینکه عکستان را می‌بینید، ممکن است فکر کنید اگر جهت تصویر عوض شود، ترکیب‌بندی بهتری خواهد داشت. برای این کار، دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Image>Rotate Canvas>Flip
Canvas Horizontal/Vertical

نکته: در این هنگام توجه داشته باشید که همه علائم و نوشته‌هایی که احتمالاً ممکن است در تصویر وجود داشته باشند، نیز برعکس خواهد شد.

خط افق تصویر کاملاً

افقی باشد

یکی از خطاهای رایج هنگام عکاسی مایل بودن خط افق است. برای

اندازه صفحه را

افزایش دهید

گاهی با اضافه کردن یک لبه چند سانتی‌متری سفید یا سیاه به لبه تصویر عکس بهتر دیده شود. برای این کار، دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Image>Canvas size

در پنجره‌ای که باز می‌شود، می‌توانید رنگ حاشیه‌ای را که اضافه می‌شود انتخاب کنید

ترکیب‌بندی در

کامپیوتر

بهتر است هنگام عکاسی بهترین ترکیب‌بندی و ترکیب رنگ را در قاب دوربینتان بکنجانید. با این حال، مواقعی پیش می‌آید که می‌توانید با دخالت‌هایی در عکس - بعد از عکاسی، یعنی زمانی که فرصت بیشتری برای فکر کردن دارید - کیفیت و زیبایی عکس را بهبود بخشید.

برش عکس

می‌توانید با استفاده از دستور برش در هنگام اسکن اسلاید یا چاپ، فضای تصویر را به میل خود تغییر دهید اما بهتر است عکس را با کادر کامل در رایانه داشته باشید و در مراحل بعدی، آن را برش بزنید.



تصحیح این امر، دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Image>Rotate Canvas>Arbitrary
به این ترتیب، می‌توانید تصویر را چند درجه در جهت عقربه‌های ساعت یا خلاف جهت آن حرکت دهید؛ تا هنگامی که خط افق کاملاً صاف شود. بدیهی است بعد از این تغییرات، عکس شما به برش مجدد نیاز خواهد داشت.

تصویری درون تصویری دیگر

ممکن است با نگاهی دقیق‌تر به عکس‌هایتان، تصاویر دیگری را نیز پیدا کنید که ترکیب‌بندی درخور توجهی داشته باشند. باز هم با برش تصویر می‌توانید به تصویری زیباتر و فکرشده‌تر دست پیدا کنید. نکته: همیشه یک کپی از اصل تصویر را نگه دارید.

برای این کار جسور باشید و از شکستن قوانین نترسید. حتی می‌توانید جهت عکس را کاملاً عوض کنید.

اگر فکر می‌کنید از یک تصویر افقی می‌توانید برش عمودی بهتری داشته باشید یا برعکس، حتماً این کار را امتحان کنید.

تنظیم درجات و منحنی‌ها

یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای تنظیم درجه‌های رنگی و کنتراست تصاویر، تنظیم درجات و منحنی‌هاست. در بسیاری از اوقات با این مشکل روبه‌رو می‌شویم که رنگ تصاویر با آنچه مطلوب ماست تفاوت دارد. برای تصحیح این رنگ و کنتراست یا درخشندگی عکس می‌توانید دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Image>Adjustment>Levels یا
Image>Adjustment>Curves
یا Image>Adjustment>Color
Balance

درجه وضوح بیشتر

تصاویر دیجیتالی این امکان را نیز فراهم می‌کنند که با دخالت در وضوح آن‌ها به کیفیت تصویر بیفزایید. فقط باید توجه داشته باشید که بیش‌ازاندازه از این ابزار استفاده نکنید؛ زیرا در این صورت تصویر دانه‌دانه خواهد شد.

برای تصحیح وضوح تصویر دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Filter>Sharpen>Unsharp Mask

خلق تصاویر پانوراما

یکی از تأثیرگذارترین شیوه‌های رسیدن به ترکیبات جدید، خلق تصاویر پانوراما از کنار هم قرار دادن چندین تصویر است. البته با برش دادن تصاویر نیز می‌توانید تصاویر پانورامیک عمودی یا افقی خلق کنید. تنها ضرر این کار، کوچک‌تر شدن تصویر خروجی است.

حذف عناصر ناخواسته

بعضی از عکاسان دست‌کاری بیش‌ازحد یک عکس را نوعی تقلب می‌دانند اما حذف عناصر کوچک ناخواسته در عکس به کمک ابزارهایی نظیر مَهْر آ یا چسب زخم، بسیار رایج است.

پی‌نوشت‌ها

1. Cropping
2. Clone stamp
3. Healing Brush tools

مؤلفه‌های خلاقیت

تحلیل محتوای کتاب‌های فرهنگ و هنر متوسطه
اول از نظر برخورداری از مؤلفه‌های خلاقیت از
دیدگاه گیلفور دویکار دز



حمیدرضا جوکار دانشجوی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

حمید بارانی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی
تربیتی دانشگاه شیراز

چکیده

خلاقیت یکی از موضوعات مهم تعلیم و تربیت امروزی است. از طرفی، هنر نیز تبلوری از حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت‌های انسانی است که در خدمت انسان‌ها قرار می‌گیرد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی میزان محتوای کتاب‌های فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول از نظر مؤلفه‌های خلاقیت بوده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی و روش تحلیل محتوا و با استفاده از سیاهه‌های مؤلفه‌های گیلفور دویکار دز انجام گرفته است. نمونه و جامعه آماری، کتاب‌های فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم می‌باشد. واحد تحلیل، جملات و تصاویر موجود در کتاب بوده است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، میزان فراوانی و درصد جملات و تصاویر مرتبط با مؤلفه‌های خلاقیت نشان می‌دهد که کل کتاب‌های فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول در متون در حد ۲/۵۹ درصد و در تصاویر در حد ۲۶/۳۱ درصد به مؤلفه‌های خلاقیت توجه داشته‌اند که در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر هفتم ۲/۴۸ درصد، در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر هشتم ۲/۱۲ درصد و در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر نهم ۳/۱۸ را شامل می‌شود. میزان توجه به مؤلفه‌های خلاقیت در تصاویر نیز در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم به ترتیب ۳۲/۲۲، ۳۳/۶۶ و ۱۳/۰۶ بوده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، خلاقیت، دانش‌آموزان، کتاب‌های فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول



تصویرسازی بر اثر همبستگی (باب دیلون): میلتون گلنر

مقدمه

در جهان کنونی با توجه به تحولات سریع و گسترده علوم و فناوری و ارتباطات و پیدایش مسائل و مشکلات نوین و همچنین ایجاد گسستگی میان موضوعات گذشته و امروز، دیگر آموزش و پرورش مبتنی بر حافظه و با محوریت انتقال علم و اطلاعات پاسخگوی نیازهای جدید بشر نخواهد بود. بی شک یکی از زیباترین ویژگی‌های انسان، قدرت آفرینندگی یا خلاقیت اوست. به کمک همین ویژگی است که انسان می‌تواند به اهداف آرمان‌گرایانه خود برسد و ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش یا اشیای جدید و بدیع را تولید کند و به بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌هایی بپردازد که از نظر متخصصان ابتکاری و از نظر علمی، زیباشناسی، فناوری، اجتماعی بارزش تلقی گردد (حسینی، ۱۳۸۶). مسئله خلاقیت از منظرهای

مختلفی نگریسته شده است. خلاقیت به‌عنوان یک مسئله آموزشی و انگیزشی و به‌عنوان شرط بقا در عصر فراصنعت، مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان جامعه قرار گرفته است. فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی آمریکا تفکر خلاق را «پردازش‌های ذهنی که به اختراع، رسیدن به راه‌حل یا ترکیبی نو در یک حوزه منجر می‌شود» تعریف کرده است. راه‌حل خلاق از اشیا یا اندیشه‌های موجود استفاده می‌کند ولی بین این عناصر رابطه‌ای جدید به‌وجود می‌آورد. روان‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی در تعریف خلاقیت متفق‌القول نیستند و تعاریف متعددی از خلاقیت ذکر کرده‌اند که از میان آن‌ها تعریف گیلفورد و تورنس نسبتاً عملی‌تر به نظر می‌رسد. گیلفورد (۱۹۶۲)، به نقل از حسینی، (۱۳۸۵) خلاقیت را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی

نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که کتاب درسی تأثیر مستقیمی بر جریان تدریس و یادگیری دارد. همان‌گونه که کتاب درسی مناسب می‌تواند جریان تدریس را تسهیل کند، کتاب دارای ابهام نیز در جریان آموزش و تدریس مانع فعالیت‌های آزاد و خلاقانه می‌شود

می‌داند که موجب تفکر خلاق می‌شود. گیلفورد خلاقیت را تفکر واگرا (یعنی تفکر از جهات مختلف برای دست یافتن به راه‌یافت‌های جدید برای مسائل) در حل مسئله تعریف می‌کند. به اعتقاد تورنس، خلاقیت یا تفکر خلاق عبارت از فرایند حس کردن مشکلات، مسائل و کمبودها و اختلاف‌نظرها درباره اطلاعات، عناصر ناپیدا و ناموفق و همچنین، به دست آوردن همه اطلاعات موجود با هم، جست‌وجو کردن راه‌حل‌ها، حدس زدن و فرضیه‌سازی درباره این نواقص، آزمودن این حدس‌ها و فرضیه‌ها و تجدیدنظر کردن دوباره و اصلاح آن‌ها و در نهایت، مرتبط ساختن نتایج است. به‌طور کلی، تورنس و گیلفورد خلاقیت را مرکب از چهار عامل اصلی می‌داند که عبارت‌اند از: سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری، و بسط. این عناصر با هم در تعادل و ارتباطند و بعدی خاص با عنوان خلاقیت را می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۵). هیل ویل آموزش و تدریس را انعطاف‌پذیری خلاقانه شرح داده است؛ چراکه هنگام کار با دانش‌آموزان، هیچ دو گروهی از یادگیرندگان شبیه هم نیستند (به نقل از باران، ۲۰۱۱). ضروری است که معلمان داشتن طرز فکر خلاقانه را در کلاس‌های درس تشویق کنند. آن‌ها برای رسیدن به چنین هدفی بایستی خلاقیت و نوآوری را ارزشمند بدانند و به دانش‌آموزان امکان دهند که به ابراز هرگونه عقیده خلافی بپردازند. معلمان با ترویج خلاقیت می‌توانند فرصت‌هایی برای پیگیری کردن و کشف علایق و استعداد‌های دانش‌آموزان فراهم آورند. کتاب درسی با دربرداشتن محتوای آموزشی، نقشی محوری در فرایند یاددهی-یادگیری دارد و به‌عنوان اصلی‌ترین منبع آموزش، در اختیار معلمان است. اهمیت کتاب درسی به‌عنوان عنصری اساسی در برنامه‌های درسی و وسیله‌ای که در صورت جذاب بودن، امکان یادگیری را افزایش می‌دهد، آشکارتر شده است (تورنس، ۱۳۷۲). در بررسی و تحلیل نظام‌مند فرایند یاددهی-یادگیری، کتاب درسی به‌عنوان یک زیر نظام برجسته، محتوای آموزشی پیش‌بینی‌شده را در مهم‌ترین شکل عرضه می‌نماید و در حقیقت، تکیه‌گاه معلم و دانش‌آموز برای یادگیری اثربخش است (گوتک، ۱۳۸۶). نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که کتاب درسی تأثیر مستقیمی بر جریان تدریس و یادگیری دارد. همان‌گونه که کتاب درسی مناسب می‌تواند جریان تدریس را تسهیل کند، کتاب دارای ابهام نیز در جریان آموزش و تدریس مانع فعالیت‌های آزاد و خلاقانه می‌شود (رانکو، ۲۰۰۷). تحقیقات نشان می‌دهد که در نظام آموزشی ایران کتاب درسی اصلی‌ترین جزء برنامه درسی، می‌باشد. چنانچه در یک نظام آموزشی کتاب درسی، تنها منبع تدریس باشد و از طرفی، در محتوای آن چیزی به‌عنوان شیوه‌های اندیشیدن یا پرورش خلاقیت منظور نشده باشد، مسلماً برای دانش‌آموز فرصتی فراهم نخواهد شد تا از چارچوب محدود آن یا فراتر گذارد و به‌دنیایی فراتر از محدوده تنگ برنامه درسی خود بیندیشد. تدریس تفکر خلاق، راهی مفید برای افزایش قابلیت ابتکار و خلاقیت است (اگوستوفرنند و همکاران، ۲۰۰۹).

مهم‌ترین مسئله در آموزش کودکان خلاق، استفاده از محتوای آموزشی مناسب و روش‌های گوناگون برای حل مسئله، مسئله‌یابی، خلاقیت و تفکر سازنده است. خلاقیت تبدیل ایده‌های جدید و تخیلی به واقعیت است. خلاقیت مستلزم دو فرایند است: اندیشیدن و تولید. نوآوری در تولید و یا پیاده‌سازی یک ایده است (قاسمی، ۱۳۸۸). از راهکارهای تربیت نسل جدیدی از انسان‌ها با ایده‌های خلاق، توجه به محتوای آموزشی کتب درسی با بار معنایی پرورش خلاقیت است. اگرچه مسائل متعددی؛ همچون کتاب، معلم، فضای آموزشی، روش آموزشی و موارد مشابه در امر خلاقیت مؤثرند، تحقیق‌های بسیاری در سطح جهان بر کتاب درسی و تأثیر آن بر خلاقیت شاگردان تأکید ورزیده‌اند (رنزولی، ۱۹۹۲؛ گوبینز، ۱۹۹۵؛ مللو، ۱۹۹۶؛ آنجلسکو، ۱۹۹۶؛ کرکا، ۱۹۹۹؛ به نقل از قاسمی، ۱۳۸۸). از میان کتب درسی تأثیرگذار بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان کتاب‌های درسی هنر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. هنر کمک می‌کند ذهن آدمی در فضایی آرام‌بخش و با آزادی سیر کند، کاوش و چیزهای جدید کشف کند و اندیشه‌هایی را بروز دهد که تجربه نشده‌اند. هنر به دانش‌آموزان می‌آموزد که مسائل می‌توانند بیش از یک راه‌حل داشته باشند و پرسش‌ها نیز می‌توانند بیش از یک پاسخ را به همراه داشته باشند. از طریق هنرها، این مفهوم دریافت می‌شود که کارهای خوب به شیوه‌های مختلفی قابل انجام‌اند (آیزنر، ۱۹۹۴).

در اهمیت درس هنر آیزنر (۱۹۹۴) یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را تدارک جایگاهی معقول برای هنر در برنامه درسی می‌داند. گویی که آموزش هنر باید به بخشی اساسی از برنامه درسی مدارس مبدل شود و هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه (خواندن، نوشتن، حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده‌اند، به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه در برنامه درسی مورد تأکید قرار گیرد و بی‌مهری و انزوای تاریخی و سنتی از آن رخت بریند (مهر محمدی، ۱۳۸۳). یکی از اهداف مهم آموزش هنر پرورش استعداد‌های کودکان و نوجوانان و کمک به رشد خلاقیت آن‌هاست. پرورش مفهوم خلاقیت و چگونگی پردازش آن در کتب درسی متعدد، به‌ویژه در درس هنر، اقدامی بنیادی و بسیار اساسی است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم دوره اول متوسطه با توجه به مؤلفه‌های خلاقیت گیلفورد و بیکاردز و با هدف ارزیابی اهداف و محتوای این کتاب درسی انجام شده است.

پیشینه

از سال ۱۹۵۰، نقش تعلیم و تربیت در پرورش و شکوفایی خلاقیت مورد تأکید قرار گرفت و برنامه‌های متعدد بر اساس نظریه‌های مختلف و نیز روش‌های متعددی چون تکنیک‌های ذهن‌انگیزی، نقش بازی، روان‌درمانی، هنر درمانی، راهبرهای حل مسئله و روش‌های پرسش و پاسخ پیشنهاد شد (باران،

۲۰۱۱). ادراک هنرها و به کارگیری صحیح شیوه‌های تربیت هنری می‌تواند در توسعه نظام مدرسه‌ای و رشد شایسته کودکان مؤثر باشد. به عبارت دیگر، تربیت هنری به عنوان یک حوزه گسترده و پویا در شکل‌گیری فعالیت‌های آموزشی در یک نظام مدرسه‌ای می‌تواند آثار و نتایجی داشته باشد که شاید در کمتر حوزه‌ای از برنامه‌های درسی بتوان آن‌ها را یافت (آیزنر، ۱۹۹۴). ایوای (۲۰۰۳) در پژوهش مروری با عنوان «ملاحظات تربیت هنری در زندگی کودکان» در قالب گزارشی به یونسکو ارائه کرد، اشاره می‌کند که ارتباط هنر با تعلیم و تربیت از پنج دیدگاه قابل توجه است: رشد زیبایی‌شناختی، رشد اجتماعی-عاطفی، رشد اجتماعی-فرهنگی، رشد شناختی و پیشرفت تحصیلی. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فعالیت‌های مناسب هنری نه تنها رشد زیبایی‌شناختی کودکان را بهبود می‌بخشد بلکه ارج‌گذاری آن‌ها به هنر را نیز تقویت می‌کند. کودکان در برنامه‌های نمایشی از طریق ایفای نقش و نوشتن داستان توانستند به دیدگاه‌های بهتری درباره خوداظهاری، پذیرش خود، پذیرش دیگران و خودآگاهی دست یابند. ساریرامان (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «تطبيق برنامه درسی با محتوای خلاق»، با نظر خواهی از ۱۳۲ معلم دوره ابتدایی به این نتیجه رسید که بین برنامه درسی و محتوای خلاق و خلاقیت شکافی وجود دارد که باید در اصلاحات برنامه درسی چین مد نظر قرار گیرد.

با وجود اهمیت درس هنر در پرورش خلاقیت، پژوهش‌های انجام شده در حوزه خلاقیت و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی نظام آموزشی ایران، بیشتر در ارتباط با کتب دروس ریاضی یا علوم تجربی بوده و در تحلیل محتوای کتاب‌های هنری نیاز به تلاش بیشتری است. برای نمونه، در نتایج تحقیقی که توسط سلیمی (۱۳۹۲)، قاسمی (۱۳۸۸) و عیناوی (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی کتاب‌های علوم تجربی راهنمایی بر اساس خلاقیت گیلفورد» انجام دادند، نشان داد که کتاب علوم دوم راهنمایی بیشتر بر سطح حافظه شناختی تأکید دارد و بین سطوح اعمال ذهنی گیلفورد تعادلی وجود ندارد. رحمتی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد» نتیجه گرفته است که در محتوای کتاب فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد به سطح تفکر واگرا کمتر توجه شده است. در پژوهشی دیگر، با عنوان «ارزشیابی محتوای کتاب علوم تجربی دوره راهنمایی از دیدگاه آموزش پلسک» منطقی (۱۳۹۱) نتیجه گرفت که بیشتر محتوای این دوره در سطح آمادگی، عملکرد مطلوبی دارند اما در سه سطح توسعه، تخیل و به ویژه به کارگیری در عمل به بازنگری نیازمندند. در تحقیقی دیگر که مهدوی پور (۱۳۸۷) با هدف تحلیل محتوای کتاب شیمی نظام جدید متوسطه از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد و مهارت‌های حل مسئله انجام داد، نتیجه گرفته شد که پرسش‌ها، فکر کنید، سوالات و تکالیف

موجود در متن کتاب شیمی از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد بیشتر به سطح حافظه شناختی تعلق دارد. عصاره (۱۳۹۲) نیز در تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره راهنمایی با توجه مراحل و اصول آموزش خلاقیت پلسک» نتیجه گرفت میزان درگیری با شاخص‌های الگوی خلاقیت پلسک در کتاب‌های علوم تجربی دوره راهنمایی بسیار کم است. این کتاب‌ها بر اصول خلاقیت پلسک منطبق نیستند و کمتر می‌توانند در ایجاد و پرورش خلاقیت در یادگیرندگان مؤثر باشند. مزیدی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مؤلفه خلاقیت» نتیجه گرفت که میزان توجه به خلاقیت در کتاب‌های اول و دوم ابتدایی در حد پایین‌تر از متوسط و در کتاب‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی بالاتر از متوسط است اما کتب مورد مطالعه از لحاظ توجه به مؤلفه‌های خلاقیت، به خصوص در بخش متن‌ها و تصاویر، به بازنگری و اصلاحات اساسی نیاز دارند.

همچنان که گفته شد، وی یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را تدارک جایگاهی معقول و مناسب برای هنر و برنامه درسی مدارس می‌داند (مهرمحمدی، ۱۳۸۳). بنابراین، از آنجایی که کتاب فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول می‌تواند وسیله و عامل مؤثری در تحقق پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان باشد، این پژوهش قصد دارد با تحلیل محتوای این کتاب به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

سوالات تحقیق

- آیا متن کتاب هنر و تمدن پایه‌های هفتم، هشتم و نهم متوسطه اول از مؤلفه خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز برخوردار است؟
- آیا تصاویر کتاب هنر و تمدن پایه‌های هفتم، هشتم و نهم متوسطه اول از مؤلفه خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز برخوردار است؟

روش

در تحقیق حاضر با توجه به اینکه محقق قصد داشته مؤلفه‌های خلاقیت را در کتاب‌های هنر هفتم، هشتم و نهم بررسی کند، از روش مراجعه به اسناد و تکنیک تحلیل محتوا و ویلیام رومی، استفاده کرده است. واحد تحلیل برای متن، جمله کتاب است. استفاده از تحلیل محتوا در زمینه آموزش و پرورش مبتنی بر این فرض اساسی است که هر وسیله ارتباط مانند کتاب، دارای پیام‌های نهانی و آشکار است که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ایمانی و مظفر، ۱۳۸۰، به نقل از مزیدی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوای ویلیام رومی (۱۹۸۶) که عبارت است از تعیین بسامد یا احتساب کمیت مفاهیم موجود در یک متن (مزیدی، ۱۳۹۰) به تجزیه و تحلیل محتوای کتب مذکور با توجه به برخورداری از عناصر خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و

آیزنر استاد برجسته
تعلیم و تربیت،
چهارمین مهارت
اساسی و پایه را
در برنامه درسی
مدارس، آموزش
هنر می‌داند و معتقد
است که دیگر زمان
آن رسیده که هنر به
بخش اساسی برنامه
درسی مدارس
مبدل شود

بیکاردز اقدام گردیده است. نمونه مورد مطالعه نیز بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این تحقیق، محتوای کتب فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ است. در این پژوهش، حجم نمونه و جامعه آماری یکسان بوده است. به عبارت دیگر، کل محتوای کتب پایه‌های هفتم، هشتم و نهم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

ابزار پژوهش

ابزار این پژوهش سیاهه مؤلفه گیلفورد و بیکاردز است که بر اساس محتوای درس‌ها تنظیم شده است. اعتبار ابزار از طریق روایی صوری مشخص شده است؛ یعنی محقق در این پژوهش به منظور اعتباریابی (روایی صوری) ابزار تحقیق از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و استادان دانشکده روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز و فرهنگیان و پنج نفر از معلمان با سابقه هنر دوره اول متوسطه با مدرک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد استفاده نموده است. برای تعیین صحت روش کار یا پایایی، به‌ویژه در مورد تخصیص ویژگی خلاقیت یا فاقد خلاقیت به واحدهای تحلیل در متن و تصاویر، در هر درس چند مورد از واحدهای فعال و غیرفعال به ترتیب از متن و تصاویر موجود در کتاب فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم مشخص و به‌صورت فرمی با گزینه‌های «بلی» و «خیر» در اختیار همان هفت نفر متخصص قرار گرفت. از آن‌ها خواسته شد همان واحدهای تحلیل منتخب را با توجه به مؤلفه‌های خلاقیت تشخیص دهند و در فرم مربوطه علامت‌گذاری کنند. پس از جمع‌آوری فرم‌ها و مقایسه سنجش مقوله‌های انتخابی گروه منتخب با مقوله‌های تعیین‌شده توسط پژوهشگر، ضریب هم‌بستگی حاصل گردید. میانگین درصد کل نظرات متخصصان در مورد تخصیص واحد تحلیل برابر با ۷۹٪ درصد محاسبه شد و بدین‌سان، پایایی پژوهش مشخص گردید. در زیر به معرفی مؤلفه‌های خلاقیت در سیاهه مؤلفه گیلفورد و بیکاردز می‌پردازیم:

حساسیت به مسئله: طرح مواردی که حساسیت و کنجکاو دانش‌آموزان را در برخی از مسائل برمی‌انگیزد.

سیالی: توانایی تولید پاسخ‌های فراوان برای یک سؤال یا مسئله‌باز

ایده‌های نوین (ابتکار): توانایی تولید پاسخ‌های جدید و بدیع، کلی، واحد و مرتبط با مسئله

انعطاف‌پذیری: توانایی تولید ایده‌های غیرمعمول یا دیدن یک موقعیت از جنبه‌های متفاوت

هم‌نهادی (ترکیب): قدرت ترکیب پدیده‌ها، ایده‌ها و مفاهیم. تفکر خلاق در صورت لزوم موضوع‌ها و پدیده‌های مختلف را درهم ادغام می‌کند و آن‌ها را به شکل بهینه مورد استفاده قرار می‌دهد.

تحلیلگری: تفکری است که می‌تواند مسائل را تجزیه و تحلیل کند و عوامل تشکیل‌دهنده آن‌ها را تشخیص

دهد.

پیچیدگی: توانایی دیدن روابط با ایجاد پیوستگی بر اساس اطلاعات جزئی

ارزشیابی: قضاوت بر امور، اطلاعات در روش‌های روبه‌رو شدن با مسائل

اقتباس: استفاده گزینشی از راه‌ها و کارهای گذشته می‌باشد که فرد آن را بر گرفته با نوعی خلاقیت و دخل و تصرف به‌طور موازی در حل مسائل و پرورش ایده‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهد.

بزرگ‌نمایی: تفکر خلاق، قدرت افزودن در مفاهیم و پدیده‌ها و قوی‌تر و بزرگ‌تر نشان دادن آن‌ها را دارد و می‌تواند ارزش‌های دیگری را بر آن بیفزاید. به همین ترتیب ذهن خلاق، توان مبالغه کردن، تکثیر و همچنین پدید آوردن ترکیبات اضافی را دارد.

کوچک‌نمایی: کوچک‌نمایی یکی از توانایی‌های تفکر خلاق است که می‌تواند پدیده‌ها یا مفاهیم را در مقیاس کوچک‌تر و فشرده‌تر ترسیم کند. در همین حال تفکر خلاق قادر است، پدیده‌ها را تجزیه کند و آن‌ها را در سطحی پایین‌تر و با ابعاد کوچک‌تر ارائه دهد. به همین ترتیب کم کردن و حذف کردن بعضی از متغیرها و پدیده‌ها از ویژگی‌های تفکر خلاق است.

جایگزینی: جایگزینی به معنی استفاده از مواد، امکانات، نگرش، عواطف و احساسات به جای مواد و امکانات دیگر است. علاوه بر این تفکر خلاق می‌تواند از استعدادها و افراد دیگر نیز، به جای استعدادها و افراد موجود استفاده کند.

ترتیب دوباره: ترتیب دوباره بدین معنا است که تفکر خلاق می‌تواند که اجزا و عناصر پدیده‌ها را با ترتیب‌های دیگری مطرح کند و آن‌ها را به گونه‌ای دیگر بچیند. تفکر خلاق توانایی برقرار کردن ترتیب منطقی رسانی و مکانی پدیده‌ها، افراد و عناصر آن‌ها را دارد و می‌تواند بین آن‌ها رابطه علت و معلولی برقرار کند.

عمل بالعکس (معکوس‌سازی): سرو ته یا بالا و پایین کردن چیزها، جهت مخالف مفاهیم و پدیده‌ها را مورد توجه قرار دادن، و بالأخره در نظر داشتن نقش‌های مخالف و بالعکس مفاهیم و پدیده‌ها است.

یافته‌ها

داده‌های به‌دست‌آمده از کتاب هفتم، هشتم و نهم را به‌صورت سیاهه مؤلفه‌های خلاقیت گیلفورد و بیکاردز نشان می‌دهیم.

بحث و بررسی

نتایج حاصل از پژوهش بر اساس میزان فراوانی و درصد جملات و تصاویر کتب مذکور نشان داد که محتوای این کتاب‌ها از نظر میزان برخورداری از مؤلفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز دارای وضعیت مناسب است و همچنین در مجموع، شاخص محاسبه‌شده در بخش‌های متن و تصاویر بالاتر از متوسط (بالاتر از یک) است که نشان

از تدوین فعال محتوای این کتاب‌ها دارد.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت از مجموع ۱۸۵۳ واحد مورد تحلیل از قسمت‌های مختلف متن و تصاویر کتاب‌های فرهنگ و هنر پایه هفتم، تعداد ۱۴۴۸ واحد تحلیل مشمول مؤلفه‌های خلاقیت می‌شوند. این تعداد دارای مؤلفه‌های خلاقیت برابر با ۸۲/۳۹ درصد کل محتوی کتاب فرهنگ و

هنر پایه هفتم است. همچنین، از ۱۵ مؤلفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه حساسیت به مسئله با ۴۷/۲۹ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و مؤلفه‌هایی نظیر اقتباس، جایگزینی، عمل بالعکس و تحلیلگری فراوانی نسبتاً کمی از محتوای کتاب فرهنگ و هنر را به خود اختصاص داده است. این نتایج حاکی از این است که، کتاب فرهنگ و

جدول شماره ۱: پایه هفتم

نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق	جمع واحدهای تحلیل	جمع واحدهای غیر خلاق	جمع واحدهای خلاق	عمل بالعکس	ترتیب دوباره	جایگزین	کوچکنمایی	بزرگنمایی	اقتباس	ارزشیابی	پیشچینی	تحلیلگری	ترکیب	انعطاف‌پذیری	ایده‌های نوین	سیالی	حساسیت به مسئله	متن
۳,۱۸	۱۶۲۸	۳۸۹	۱۲۳۹	۲۰	۹	۲۱	۱۶	۳۳	۲۵	۴۴	۱۷	۴	۲۲	۳۰	۱۷۷	۳۰	۷۷۰	
	۱۰۰	۲۳,۸۹	۷۶,۱۰	۱,۲۲	۰,۵۵	۱,۲۸	۰,۹۸	۲,۰۲	۱,۵۳	۲,۷۰	۱,۰۴	۰,۲۴	۱,۳۵	۱,۸۴	۱۰,۸۷	۱,۸۴	۴۷,۲۹	درصدمتن
۱۳,۰۶	۲۲۵	۱۶	۲۰۹	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۵	۳	۳۵	۱	۸	۴۵	۰	۱۱۵	تصویر
	۱۰۰	۷,۱۱	۹۲,۸۸	۰	۰	۰	۱,۷۷	۰	۰	۲,۲۲	۱,۳۳	۱۳,۷۲	۰,۳۹	۳,۵۵	۲۰	۰	۵۱,۱۱	درصدتصویر
۳۵۷	۱۸۵۳	۴۰۵	۱۴۴۸	۲۰	۹	۲۱	۲۰	۳۳	۲۵	۴۹	۲۰	۳۹	۲۳	۳۸	۲۲۲	۳۰	۸۸۵	مجموع
	۱۰۰	۱۵,۵۰	۸۴,۴۹	۰,۶۱	۰,۲۷	۰,۶۴	۱,۳۷	۱,۰۱	۰,۷۶	۲,۴۶	۱,۱۸	۶,۹۸	۰,۸۷	۲,۶۹	۱۵,۴۳	۰,۹۲	۴۹,۲۰	درصد

جدول شماره ۲: پایه هشتم

نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق	جمع واحدهای تحلیل	جمع واحدهای غیر خلاق	جمع واحدهای خلاق	عمل بالعکس	ترتیب دوباره	جایگزین	کوچکنمایی	بزرگنمایی	اقتباس	ارزشیابی	پیشچینی	تحلیلگری	ترکیب	انعطاف‌پذیری	ایده‌های نوین	سیالی	حساسیت به مسئله	متن
۲,۱۲	۵۷۲	۱۸۳	۳۸۹	۱۰	۲	۱۱	۱۲	۷	۱۰	۱۵	۸	۱۸	۸	۲۸	۱۹	۴۳	۲۰۲	
	۱۰۰	۳۲	۶۸	۱,۷۴	۰,۳۴	۱,۹۲	۲,۰۹	۱,۲۲	۱,۷۴	۲,۶۲	۱,۳۹	۳,۱۴	۱,۳۹	۴,۸۹	۳,۳۲	۷,۵۱	۳۱/۳۵	درصدمتن
۳۳,۶۶	۲۰۸	۶	۲۰۲	۰	۰	۰	۸	۳۵	۰	۰	۰	۱۸	۰	۱	۴۴	۰	۹۹	تصویر
	۱۰۰	۲,۸۸	۹۷,۱۱	۰	۰	۰	۳,۸۴	۱۶,۸۲	۰	۰	۰	۸,۶۵	۰	۰,۴۸	۲۱,۱۵	۰	۴۷,۵۹	درصدتصویر
۳۵,۷۸	۷۸۰	۱۸۹	۵۹۱	۱۰	۲	۱۱	۲۰	۴۲	۱۰	۱۵	۸	۳۶	۸	۲۹	۶۳	۴۳	۳۰۱	مجموع
	۱۰۰	۱۷,۴۴	۸۲,۵۵	۰,۸۷	۰,۱۷	۰,۹۶	۲,۹۶	۹,۰۲	۰,۸۷	۱,۳۱	۰,۶۹	۵,۸۹	۰,۶۹	۲,۶۸	۱۲,۲۳	۳,۷۵	۴۱,۴۵	درصد

جدول شماره ۳: پایه نهم

نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق	جمع واحدهای تحلیل	جمع واحدهای غیر خلاق	جمع واحدهای خلاق	عمل بالعکس	ترتیب دوباره	جایگزین	کوچکنمایی	بزرگنمایی	اقتباس	ارزشیابی	پیشچینی	تحلیلگری	ترکیب	انعطاف‌پذیری	ایده‌های نوین	سیالی	حساسیت به مسئله	متن
۲,۴۸	۱۶۳۷	۴۷۰	۱۱۶۷	۲۶	۶	۳۰	۳۳	۲۴	۲۶	۱۶	۴۳	۲۶	۲۴	۲۷	۱۲۴	۴۸	۷۱۳	
	۱۰۰	۲۸,۷۱	۷۱,۲۸	۱,۵۸	۰,۳۶	۱,۸۳	۲,۰۱	۱,۴۶	۱,۵۸	۰,۹۷	۲,۶۲	۱,۵۸	۱,۴۶	۱,۶۴	۷,۵۷	۲,۹۳	۴۳,۵۵	درصدمتن
۳۲,۲۲	۲۹۹	۹	۲۹۰	۷	۸	۱	۴	۲۸	۰	۰	۹	۳۲	۴۳	۱۱	۲۹	۰	۷۱۱	تصویر
	۱۰۰	۳,۰۱	۹۶,۹۸	۲,۳۴	۲,۶۷	۰,۳۳	۱,۳۳	۹,۳۶	۰	۰	۳,۰۱	۱۰,۷۰	۱۴,۳۸	۳,۶۷	۹,۶۹	۰	۳۹,۱۳	درصدتصویر
۳,۰۴	۱۹۳۶	۴۷۹	۱۴۵۷	۳۳	۱۴	۳۱	۳۷	۵۲	۲۶	۱۶	۵۲	۵۸	۶۷	۳۸	۱۵۳	۴۸	۸۳۰	مجموع
	۱۰۰	۱۵,۵۸	۸۴,۱۳	۱,۹۶	۱,۵۱	۱,۰۸	۱,۶۷	۵,۴۱	۰,۷۹	۰,۴۸	۲,۸۱	۶,۱۴	۷,۹۲	۲,۶۵	۸,۶۳	۱,۴۶	۶۳,۱۱	درصد

گرافه نیست که بگویم در این فرایند عنصر خلاقیت عامل بسیار مهمی است که در چگونگی انتقال صحیح یا اصلاح سریع تر فرهنگ نقشی اساسی ایفای می کند

هنر پایه هفتم از نظر میزان برخورداری از مؤلفه های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر وضعیت مطلوبی دارد. این نتایج نشان دهنده توجه مؤلفان کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم به مقوله خلاقیت است. اگر بپذیریم که کتاب فرهنگ و هنر نقش بسیار مهمی در شکوفایی خلاقیت دانش آموزان ایفا می کند، می توان گفت کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم به خوبی توانسته است این مهم را عملیاتی نماید.

در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم، یافته ها گویای این مطلب است که از مجموع ۷۸۰ واحد مورد تحلیل از قسمت های مختلف متن و تصاویر کتاب های فرهنگ و هنر هشتم، تعداد ۵۹۱ واحد تحلیل مشمول مؤلفه های خلاقیت می گردند. این تعداد واحد دارای مؤلفه های خلاقیت برابر با ۸۲/۵۵ درصد کل کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم است. همچنین، از ۱۵ مؤلفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه حساسیت به مسئله با ۴۱/۴۵ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و از مؤلفه هایی نظیر بزرگنمایی، ترکیب، پیچیدگی، ارزشیابی، اقتباس، جایگزینی و عمل بالعکس فراوانی نسبتاً کمی از محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم را به خود اختصاص داده است. این نتایج حاکی از آن است که، کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم از نظر میزان برخورداری از مؤلفه های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر وضع مطلوبی دارد. این نتایج نیز نشان دهنده توجه مؤلفان کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم به مقوله خلاقیت است.

در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم، یافته ها گویای این مطلب است که از مجموع ۱۹۳۶ واحد مورد تحلیل از قسمت های مختلف متن و تصویر کتاب فرهنگ و هنر هشتم، تعداد ۱۴۵۷ واحد تحلیل مشمول مؤلفه های خلاقیت می گردند. این واحد دارای مؤلفه های خلاقیتی برابر با ۸۴/۱۳ درصد کل کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم است. همچنین، از ۱۵ مؤلفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه حساسیت به مسئله با ۶۳/۱۱ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و مؤلفه هایی نظیر ارزشیابی، هیچ گونه فراوانی را از محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم به خود اختصاص نداده اند. این نتایج حاکی از این است که کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم از نظر میزان برخورداری از مؤلفه های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر وضعیت مطلوبی دارد. این نتایج نیز نشان دهنده توجه مؤلفان کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم به مقوله خلاقیت است. با توجه به نتایج حاصل می توان نتیجه گرفت کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم در زمینه متن با حدود ۳/۱۸ درصد فراوانی در بالاترین سطح خلاقیت و سپس به ترتیب کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم با حدود ۲/۴۸ درصد و کتاب فرهنگ و هنر هشتم با حدود ۲/۱۲ درصد کمترین سطح خلاقیت را دارا می باشند. در زمینه تصاویر نیز به ترتیب کتاب های پایه های هشتم، هفتم و نهم با درصد فراوانی ۳۳/۶۶، ۳۲/۲۲ و ۱۳/۰۶

از بالاترین سطح خلاقیت تا پایین ترین سطح خلاقیت رتبه بندی می شوند.

در مجموع، با توجه به اینکه درصد فراوانی تمامی کتاب ها بالاتر از ۵/۰ می باشد، می توان نتیجه گرفت که تمامی کتاب های فرهنگ و هنر پایه های هفتم، هشتم و نهم بیشتر از ۵۰ درصد واحد تحلیلشان در قسمت خلاق قرار دارد، بنابراین، می توان نتیجه گرفت که این کتاب ها از لحاظ پرورش تفکر خلاق و ایجاد زمینه های خلاقیت در دانش آموزان در حد بسیار قابل قبولی هستند.

نتیجه گیری

نظام تعلیم و تربیت در هر کشوری می تواند عنصری بسیار مهم و موتور جلوبرنده اهداف و آرمان های ملت باشد. اگر تعلیم و تربیت را فرایندی در نظر بگیریم که برای تغییر، اصلاح یا انتقال ارزش های یک جامعه بنا شده است، گرافه نیست که بگویم در این فرایند عنصر خلاقیت عامل بسیار مهمی است که در چگونگی انتقال صحیح یا اصلاح سریع تر فرهنگ نقشی اساسی ایفا می کند؛ زیرا خلاقیت عامل شکوفایی استعداد و ایجاد کننده حساسیت در فرهنگ است و می تواند درک و فهم انسان از فرهنگ را بالا ببرد.

در این زمینه باید یادآوری نمود که محور قرار دادن خلاقیت در تدوین برنامه درسی و ارائه منابع آموزشی متنوع و متعدد در هر یک از موضوعات درسی می تواند شرایط را برای تهیه و اجرای برنامه درسی خلاق مهیا کند. چنانچه محتوای کتاب های درسی در موقعیتی نامعین و توأم با بهت زدگی ارائه گردد، نوعی احساس خلأ فکری در فراگیرنده به وجود می آید.

همین احساس او را به تلاش برای تبدیل موقعیت نامعین به یک موقعیت معین سوق می دهد. فراگیرنده با تحلیل موقعیت، به کشف روابط میان عناصر می پردازد و جدا از کسب اطلاعات مورد نیاز، می تواند چگونه آموختن و چگونه فکر کردن را بیاموزد. بنابراین، محتوای انعطاف پذیر و برخاسته از نیازها، علائق و مشکلات دانش آموزان و جامعه، با توجه به تحولات آینده می تواند باعث یادگیری مؤثرتر شود؛ زیرا یادگیرنده را برای درک شرایط نامطلوب بررسی ارتباطات، الگوها، روابط، و حل مسائل و تبدیل تهدیدها به فرصت آماده می کند. با یادگیری مؤثرتر، تصمیم گیری برای خلاقیت و تطبیق رفتارها مناسب تر می شود. با ادغام شناخت، عواطف و تولید یادگیری مؤثر، رضایت نیز حاصل می گردد (سیو و ارمود، ۲۰۰۷).

در نظام تعلیم و تربیت به ویژه در سطح مدارس، کتاب های درسی یکی از ابزارهای مهم آموزش محسوب می شوند و در بروز رفتارهای صحیح و شکل گیری پایه های خلاقیت نقش اساسی دارند. کتاب فرهنگ و هنر را رویکرد ایجاد خلاقیت در کودکان و نوجوانان با سه عنوان فرهنگ و هنر هفتم، فرهنگ و هنر هشتم و فرهنگ و هنر نهم در دوره متوسطه اول قرار گرفته و در مجموع، در هفته کمتر از دو ساعت زمان

به آن اختصاص یافته است. از سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ کتاب‌های درسی متوسطه اول با نگرشی نو و در راستای نظام تربیتی ۳-۳-۶ و نظام تحول بنیادین تدوین شده است. بر این اساس، در این پژوهش، کتاب‌های فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم که در راستای نظام تحول بنیادین تهیه شده‌اند، از نظر مؤلفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به اینکه در تحقیق حاضر از پانزده مؤلفه خلاقیت، بیشترین توجه به مؤلفه حساسیت به مسئله است، به نظر می‌رسد که مؤلفان به چهارده مؤلفه دیگر خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز، از جمله سیالی، ایده‌های نوین، انعطاف‌پذیری، ترکیب، تحلیلگری، پیچیدگی، ارزشیابی، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، جایگزین، ترتیب دوباره، عمل به بلعکس توجه بیشتری نمایند.

به خلاقیت ذهنی، ذوق هنری و استعداد دانش‌آموزان و لزوم ایجاد (پوشه کار) به‌عنوان یک پایگاه ارزیابی مستمر دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی و به‌عنوان مبنایی برای هدایت تحصیلی در سال‌های آتی توجه شود.

جشنواره‌ها و مسابقات ملی، استانی و منطقه‌ای با موضوعات و محورهای باز و خلاق و به‌منظور تحریک ظرفیت هنری دانش‌آموزان و فراخوانی استعداد‌های هنری و خلاق آن‌ها برگزار گردند.

از آنجاکه از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز یکی از خصوصیت فرد خلاق انعطاف‌پذیری، سیال بودن و ابتکار است، قرار دادن بخش نقد و نظر در پایان اغلب کتب درسی و اختصاص سؤالاتی در قالب نوشتن نقد و نظر در موضوعات مختلف کتب درسی عمل مطلوبی است که می‌تواند ما را به اهداف

خود که تولید پاسخ‌های فراوان یا تولید یک ایده جدید است برساند.

تبیین و آموزش مفصل و مستمر روش‌های مباحثه، پرسش و پاسخ، دیالکتیک، بارش مغزی و... برای معلمان و مدرسان کتب درسی و زمینه‌سازی برای تدریس متون درسی به روش‌های مباحثه محور در کلاس‌های درس بسیار مؤثر است.

اعطای یارانه کتاب به مدارس برای تجهیز کتابخانه‌ها به کتاب‌هایی که مستقیماً به پرورش خلاقیت مرتبطند.

بخشی از ساعات فوق‌برنامه و نیز بخشی از فعالیت‌های آموزشی و ارزشیابی دانش‌آموزان به نقد و بررسی اثرهای هنری بزرگان عرصه هنر اختصاص یابد.

اردوهای دانش‌آموزی با موضوع نقد و بررسی آثار هنری در سطح منطقه‌ای و استانی برگزار شود.

تا حد امکان بخشی از فضای داخلی کلاس درس به نمایش آثار هنری دانش‌آموزان اختصاص یابد.

سازوکارهای برنامه جامع و مستمر برای «معرفی هفتگی آثار برتر دانش‌آموزان» ایجاد شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

این پژوهش درباره کتاب‌های هنر و فرهنگ دوره متوسطه انجام گرفته است اما به محققان علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود در مورد کتب دیگر نیز با توجه به مقوله خلاقیت چنین پژوهشی انجام دهند.

نتایج تحلیل محتوای کتاب هنر از نظر پرورش خلاقیت با سایر کتاب‌های دوره متوسطه مقایسه شود.

تأثیر کتب دوره ابتدایی از نظر پرورش خلاقیت بررسی شود و نتایج تحلیل محتوای به‌دست‌آمده با کتاب‌های دوره متوسطه مقایسه شود.

منابع

۱. تورنس، پل. (۱۳۷۲). استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آن، مترجم حسن قاسم‌زاده؛ دنیای نو.
۲. حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت، پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۲۳، ۱۶۸-۱۴۷.
۳. حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۸۵). الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱، ۱۵-۲۰، ۱۷۷.
۴. رحمتی، ملیحه. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. سلیمی، لیلا. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتب درسی علوم دوره دوم راهنمایی از دیدگاه الگوی آموزشی خلاقیت گیلفورد، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۴، ۱۰۲-۷۳.
۶. عیناوی، ندا. (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل محتوای کتاب علوم دوره ابتدایی با عوامل خلاقیت گیلفورد، تهران دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. عصاره، علیرضا. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب‌های ریاضی چهارم و پنجم ابتدایی بر مبنای الگوی آموزش پلسک، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، شماره ۳۴، ۱۱۶-۹۳.
۸. قاسمی، فریاد. (۱۳۸۸). ارزیابی اهداف و محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی از دیدگاه الگوی آموزش خلاقیت پلسک. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی درسی ایران، سال دوم، شماره ۴، ۱۴۱-۱۱۶.
۹. گوتک، جرال‌آل. (۱۳۸۶). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. مترجم: محمدجعفر پاک‌سرشت، جلد اول. تهران: سمت.
۱۰. منطقی، مرتضی. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش خلاقیت بر دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های درسی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره دوم، شماره اول، ۲۸-۱.
۱۱. مهدوی پور، محمدرضا. (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتاب شیمی نظام جدید متوسطه از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد و مهارت حل مسئله گانیه. تهران: دانشگاه شهید رجایی.
۱۲. مزیدی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مؤلفه‌های خلاقیت. مجله علمی پژوهشی برنامه درسی، دوره اول، شماره اول، ۹-۶۹.
۱۳. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳). چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر، تهران: انتشارات مدرسه.
14. Agusto Fernando, Antonio, da silva viera, Sonia, p mediore, rnat0 mnatal jorje, albertina(2009). Structure method of new productdevelopment and creativty management: a teaching experience. Oxford: vol. 18, iss. 3 p.160.
15. Baran, gulen. (2001). A study on the relationship between six-years old children, creavity and mathematical ability, international education study, vol4, no 1
16. Eisner, f. (1994). Educational imagination: on the design and evaluation of school program: third edition
17. Iwai, kaori (2003). The contribution of art s education to children s lives, paper presented at preparedness for for teaching art, international journal of education & the art, volume 8 number5.
18. Runco, mark.a (2007). Creativity theories and theme: research, development and practice. Usa elsevir academic press
19. Sio U. N. & Ormerod T. C. (2007) Does incubation enhance problemsolving? A metaanalytic review psychological bulletin, 135(1), 701-710
20. Sriraman, b & yafian, n(2010) mathematical creativity and mathematics education. In press in b. sriraman k. lee (eds)